



صلاحیت‌های لازم روحانیت

برای ایفای نقش اجتماعی در ایران

دکتر علی ربیانی خوراسگانی*

چکیده:

در این مقاله ضمن تعریف مفهوم "نقش" در جامعه‌شناسی به "انتظارات عمومی" و "انتظارات خاصی" که از یک نقش خاص می‌رود اشاره نموده‌ایم. براین اساس از ایفاگران هر نقشی انتظار می‌رود که "صلاحیتهای عمومی" و "صلاحیتهای اختصاصی" لازم را احراز کنند تا از عهده نقش خود برآیند.

سپس "نقش استراتژیک" را مورد بحث قرار داده و با ارائه مدلی که دربرگیرنده عناصر دخیل برای موفقیت در ایفای نقش استراتژیک است پرداخته‌ایم.

با استفاده از این بحث نظری نشان داده‌ایم که روحانیت، ایفاگر یک نقش استراتژیک در جامعه اسلامی است، چرا که با تکیه به منصب امامت و ولایت از منزلت و الایی برخوردار است و باید صلاحیتهای عمومی و اختصاصی لازم برای ایفای این نقش را احراز کند.

"صلاحیت عمومی لازم برای همه روحانیون این است که با انگیزه الهی، از روح بی نیازی برخوردار باشند، که از آن بعنوان متقی بودن یاد می‌شود.

"صلاحیت خاصی" که روحانیون در جامعه اسلامی باید داشته باشند، دارا بودن "دانش تخصصی" برای استنباط از متون دینی است که از آن بعنوان "فقه" یاد می‌شود.

در پایان به یک حالت نامطلوب در ایفای نقش روحانیون پرداخته‌ایم که عبارت از تضاد است که بین انتظاراتی که آنها از خود دارند یا انتظاراتی که مردم از آنها دارند وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: نقش، انتظار، نقش استراتژیک، منزلت، صلاحیت عمومی، صلاحیت اختصاصی

۱. تعریف نقش براساس مفهوم انتظار

تعاریف نقش اجتماعی براساس دونگرش از یکدیگر متمایز می‌شود. در یک نظریه، شکل‌گیری نقش‌های اجتماعی در جریان تعامل مورد تأکید است و در نظریه دیگر تاثیر ساختارهای اجتماعی مشتمل بر نقش بر عمل فرد.

در نگرش اول با اتکاء به نظریه تعامل نمادین، نقش‌ها نتیجه‌ای از جریان تعامل است. جریان تعاملی که خلاق و آگاهانه محسوب می‌شود. در این معنی کاربرد دقیق مفهوم نقش در آغاز توسط جرج هربرت مید (G.H.Mead) در سال ۱۹۳۴ انجام شد.

از نظر مید و دیگر معتقدان به نظریه تعامل، در جریان تعامل است که رفتار مورد انتظار

بوجود می‌آید، تغییر می‌کند یا اصلاح می‌شود و این به معنی ساختن نقش (Role-making) در جریان تعامل است.

نگرش دوم به نقش، براساس نظریه کارکردی ساختاری است که از کاررالف لینون (R.Linton) در سال ۱۹۳۶ در این زمینه منتج می‌شود.

نقش‌ها در این نظریه انتظارات ثابت و مشخصی است که منضم به موقعیتهای خاص اجتماعی است و از فرهنگ جامعه منتج می‌شود. عبارت دیگر هنجارهای اجتماعی

راهنمای رفتار در نقش‌ها هستند.

این نگرش برخلاف نگرش اول این مطلب را قبول ندارد که تعامل، ایجادکننده یا اصلاح‌کننده نقشها است بلکه نقش را تجلی ساختارها و سازمانهای جامعه می‌داند.

نقطه مشترک هر دو نگرش به نقش این است که نقشها را مجموعه انتظارات و خصوصیات می‌داند که مربوط به یک موقعیت اجتماعی است. (رفیع پور، ۱۳۷۸: ۴۱۴)

مثلاً وقتی یک معلم نقش خود را بعنوان معلم ایفاء می‌کند که رفتارهایی را که از او انتظار می‌رود انجام می‌دهد و همین پیروی از انتظارات هنگام ایفاء نقش است که از نظر جامعه‌شناسی مهم می‌باشد، زیرا ترسم می‌کند که چگونه فعالیت و اعمال انسان در جامعه قواعد منظمی را دنبال می‌کند.

(Abercrombie, et al, 1994)

بنابراین در نظریه‌های جدید نقش بیان می‌شود که بین جریان تعامل اجتماعی و نظامهای اجتماعی (ساختارهای مشکل از انواع نقشهای اجتماعی) با عمل اجتماعی رابطه دوطرفه وجود دارد. (کریب، ۱۳۷۸: ۱۰۴)

از یک طرف عمل افراد در یک موقعیت اجتماعی خاص، مبتنی بر انتظاراتی است که از آنها می‌رود و این انتظارات توسط نظام اجتماعی مشخص می‌شود و از طرف دیگر در جریان تعامل اجتماعی است که همین انتظارات

● از طرف دیگر منزلت و مقامی نیز برای موقعیتهای اجتماعی در نظر گرفته می شود که به آنها اعطاء می گردد.

● در شرایط طبیعی حیات اجتماعی، منزلت و مقامی که به یک نقش تعلق می گیرد قاعدتاً براساس میزان «کارایی» و کارکردی است که آن نقش در حیات جامعه دارد.

● خانم آن ماری روش بلاواسپنله (Anne-Marie Rocheblave-Spenle)

استاد دانشگاه سوربن که یکی از منابع مستقل و مفصل در باب نقش فراهم آورده است معتقد است که الگوی توقع (انتظار) با مفاهیم «وظیفه»، «موقعیت»، «کارکرد»، و «منزلت» مرتبط است. (اسپنله ۱۳۷۲: ۱۶۱)

جامعه شناسان معتقدند «انتظارات معطوف به نقش» بصورت قاعده درآمده و چارچوب یا الگویی می شود که اساس روابط اجتماعی را تشکیل می دهد. در این حالت به تعبیر جامعه شناسی انتظار حالت هنجار می یابد و پس از شکل گیری مستقل از افراد به حیات خود ادامه می دهد.

براین اساس، نظر گرولاکمن (Perer L. Berger and Thomas Luchmann)

در باب نقش چنین است: «نقشها، الگوسازیهایی از رفتارند که از کنشگران در موقعیتهای اجتماعی معین انتظار می رود.» (ریترز، ۱۳۷۳: ۳۶۲)

و رفتار مورد انتظار شکل می گیرد همچنانکه اشاره شده قبل از اینکه این رابطه دوسویه مورد توجه قرار گیرد نظریه های نقش هر کدام به یک مسیر این رابطه توجه کردند و براساس آن نقش را تعریف کردند، اما مطالعات جدید روی نقشها سعی می کنند که هر دو نگرش را در کنار هم قرار دهند.

«جواس» وظیفه خود را در این می داند که برای پر کردن شکاف بین تعارف، آندو را با هم جمع کند.

نقش بر این اساس عبارتست از:

«انتظار از رفتار معنی دار در یک وضعیت خاص براساس هنجارهای فرهنگی.»

وی معتقد است دو میدان اصلی برای استفاده تجربی از نظریه نقش عبارتست از، بررسی نقشها در ساختار سازمانی و جریان اجتماعی شدن فرد. (S.N.Eisenstadt and H.J.Helle 1985:3)

در مجموع مفهوم «انتظار» که هسته اصلی تعریف نقش را شکل می دهد، بیانگر توقعی است که اعضای یک گروه یا جامعه از «موقعیت» دیگران دارند. یعنی در جامعه:

● موقعیتهای اجتماعی، «وظایف»، مسئولیتها یا تکالیفی را همراه دارد که مردم از افرادی که در این موقعیتهای قرار می گیرند انتظار یا توقع دارند که آن وظایف خاص را انجام دهند.

موقعیتی» باشند که از منزلت مورد انتظار برخوردار باشد.

اما نکته قابل توجه این است که منزلتی که جامعه برای ایفاگران هر نقش قائل است در شرایط طبیعی به میزان صلاحیتی که برای رفع نیازهای جامعه دارند برمی‌گردد.

بنابراین جامعه از ایفاگران نقش‌های اجتماعی انتظار دارد واجد دو نوع صلاحیت باشند:

● صلاحیت نوع اول عبارتست از صلاحیتی که از همه افرادی که در یک پایگاه اجتماعی شریک هستند، می‌رود. این امر با عنوان «صلاحیت عمومی یا پایه» (Actor's general competence) نامیده می‌شود مثل صلاحیتی که جامعه انتظار دارد هر کسی که در قشر روحانی است داشته باشد.

● صلاحیت نوع دوم «صلاحیت خاص برای انجام یک وظیفه» (Actor's Competence at a Task)

نامیده می‌شود. منظور از صلاحیت خاص، دارا بودن ویژگی‌های لازم (توانایی‌های و تجارب خاص فرد) برای انجام یک وظیفه و مسئولیت معین می‌باشد. مثلاً جامعه از رهبران روحانی صلاحیت‌های خاصی را انتظار دارد که از عمومی آنها انتظار ندارد.

صلاحیت‌های مختلفی که ساختار یک نقش خاص را تعیین می‌کنند مورد توجه نادل

در تعقیب بحث و پس از تعریف نقش براساس انتظار، نظریه‌ای را ارائه می‌کنیم که برای تحلیل صلاحیت‌های مورد انتظار از گروه یا سازمان شکل گرفته است.

۲. تئوری حالت‌های انتظار (Expectation-States theory) و صلاحیت‌های لازم برای ایفای نقش

تئوری حالت‌های انتظار بواقع یک تئوری نیست بلکه مجموعه‌ای از تئوری‌هاست که راجع به چگونگی شکل‌گیری و حالت انتظار بنیادی (Underlying Expectation State) در یک گروه صحبت می‌کند. بر این اساس یک فرد می‌تواند حالت‌های انتظار مختلفی در یک گروه یا سازمان مبتنی بر وضعیت (Situation) خاصی که در آن است داشته باشد.

تعداد ۱۶ تئوری در این زمینه توسط «برگر» و همکارانش شناسایی شده است.

(Berger, et al in; Eisenstadt S.W and H.J. Helle, 1985: 148-152)

جهت‌گیری ما در استفاده از تئوری حالت‌های انتظار مبتنی است بر آنچه بعنوان «نظریه مشخصه‌های پایگاهی و حالت‌های انتظار» شناخته شده و توسط ترویر و یونث (۱۹۹۷) بیان شده است.

براساس این تئوری، برای موفقیت در ایفای نقش لازم است که افراد دارای «پایگاه و

خطی که بین D و D ترسیم گردیده و دارای علامت منفی است بیانگر نوع رابطه بین دو کنشگری است که در دو وضعیت منزلی متضاد قرار گرفته‌اند.

(Lisa Troyer and Younts 1997:728)

مفهوم مدل بالا این است که کنشگر P وقتی که در یک پایگاه با منزلت بالا قرار دارد و علاوه بر این صلاحیت‌های عمومی و اختصاصی معطوف به نقشی که بر عهده گرفته را داراست، در بهترین وضعیت برای انجام وظیفه و تکلیف مورد علاقه همگان ندارد و برعکس از کسانی که به آنها ارجح و مقام والایی می‌دهد انتظار داشتن صلاحیت‌های عام و خاص بیشتری دارد.

برگرو همکاری در کار اخیر خود در این باب (Berger et al, 1998) بیان دیگری از این موضوع بدست داده‌اند که در ذیل می‌آید: آنها معتقدند که انسانها براساس سه نوع مرجع ساختاری (Refrence Structures) ارزیابی می‌شوند و از آن طریق می‌توانند پایگاه بالاتری کسب کنند.

۱- ساختار وابستگی گروهی. (Categorial Structure)، مانند تعلق به یک گروه برتر نژادی، شغلی، مذهبی.

اگر این گروهها در جامعه با ارزش باشند افرادی که به این گروهها وابسته‌اند از سوی دیگران ارزش مثبت کسب می‌نمایند. ضابطه ارزیابی در مقامها در اینجا این است که «توکی

(Ndel) نیز قرار داشت. (اسپینله ۱۳۷۲: ۲۱۰) علاوه بر مباحث نادل، تأثیر مقام و منزلت پایگاهی که فرد در آن قرار دارد همچنین تأثیر صلاحیت عام و خاص افراد برای انجام مسئولیت و تحقق نتیجه مورد علاقه گروه توسط «برگر» و همکارانش (Berger et al 1977) در مدل ذیل ارائه گردید:

$$P - D^+ - \Gamma - C^* - T^+$$

$$O - D^- - \Gamma - C^* - T^+$$

اجزاء این مدل عبارتند از:

P, O: کنشگران یعنی ایفاگران نقش،

D: مشخصه پایگاهی فرد یعنی مقام و منزلت پایگاهی که فرد در آن قرار دارد،

Γ : انتظاری که از کنشگر P در جهت داشتن صلاحیت عمومی می‌رود،

C^* : انتظاری که از کنشگر P در جهت داشتن صلاحیت خاص جهت انجام وظیفه گروهی می‌رود،

T: نتیجه مورد علاقه یا انجام وظیفه،

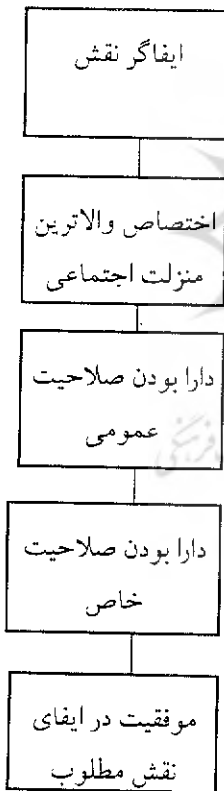
(+), (-): وضعیت منزلت، پایگاه، وضعیت انتظار، و وضعیت دستیابی به نتیجه را نشان می‌دهد.

حالت‌های دارای علامت مثبت ارزشمندتر و دارای مطلوبیت خاصی نسبت به حالت‌های دارای علامت منفی هستند.

دستیابی به نتایج مطلوب که تحت عنوان ساختار توانایی و ساختار نتایج بیان شده است. روابط بین اجزاء لازم برای دسترسی به نتایج مطلوب و بعبارت دیگر موفقیت در ایفای نقش را می‌توان بصورت ذیل ارائه نمود:

تصویر شماره ۱:

عوامل مؤثر برای موفقیت در ایفای نقش



حال به بررسی صلاحیتهای عمومی و اختصاصی لازم برای روحانیون ایران می‌پردازیم.

هستی؟ (Who are you).

۲- ساختار توانایی (Ability Structure)، وقتی است که انسانها براساس تواناییهایشان ارزیابی می‌شوند. در اینجا ضابطه آن است که «توجه می‌توانی انجام دهی یا بلدی؟» (What you can do).

۳- ساختار نتایج (Outcome Structure)، وقتی است که انسانها براساس نتایج کارشان ارزیابی می‌شوند یعنی براساس ضابطه «توجه کرده‌ای؟» (What you have done). (رفیع پور، ۱۳۷۸: ۴۲۰-۴۱۹)

ضابطه اول همان مشخصه پایگاهی فرد است که اشاره به میزان شان و منزلت پایگاهی دارد که فرد در آن قرار دارد.

جامعه‌شناسان متعددی تحت عنوان «نظریه مشخصه پایگاهی» (Status Characteristic Theory) ابعاد مختلف تأثیر مقام و منزلت معطوف به یک پایگاه اجتماعی را برای ارتقاء فرد یا برای انجام وظیفه گروهی (task) بررسی کرده‌اند. (Berger, Wagner and Zelditch, 1985; Lovaglia and Houser, 1996:877-878)

این ضابطه عیناً در مدل ارائه شده در فوق بکار رفته است.

ضابطه دوم و سوم عبارتست از داشتن صلاحیتهای عمومی و صلاحیتهای خاص برای

۳. تقوا، صلاحیت عمومی لازم برای ایسای
خداش اجتماعی روحانیت

مهم ترین صلاحیتی که برای روحانیون
صرف نظر از مراتب علمی مختلف و مراتب
اجتماعی متفاوت آنها لازم است و از آنها
انتظار می رود بعنوان یک صلاحیت عمومی
واجد آن باشند، بی توجهی به مادیات و توجه
به معنویات می باشد.

بعبارت دیگر آنچه بیش از همه به روحانیت
ضربه می زند و منزلت اجتماعی آنها را تخریب
می کند «عدم هماهنگی بین قول و فعل» آنان
است. برای تبیین این امر به یک نقل از قرآن و
یک سخن از کلام معصوم می پردازیم.

قرآن کریم نمونه تاریخی قابل توجهی در
قوم بنی اسرائیل نشان می دهد.

متخصصان دین در قوم بنی اسرائیل و به
تعبیر قرآن ربانیون و اجبار، اهل دنیا شده
بودند و برای منافع خود به تحریف آیات الهی
می پرداختند.

نادرستی اخلاقی اینان و پیروی و تقلید
مردم عادی از آنها بشدت مورد نکوهش قرآن
قرار گرفته است. در سوره بقره می خوانیم:

«آیا طمع دارید که یهودیان به دین شما
ایمان بیاورند در حالیکه گروهی از آنان کلام
خدا را شنیده سپس به دلخواه خود آنرا
تحریف می کنند، با آنکه در کلام خدا تعقل
کرده و معنی آن را دریافته اند؟ (۷۵) ... بعضی

عوام یهود که خواندن و نوشتن هم ندانند
تسورات را جز آمال و آرزوی باطل خود
نپندارند و تنها پای بست خیالات خام و پندار
بیهوده خویشند. (۷۸) (قرآن کریم ۱۳۶۹:
۱۲ و ۱۱)

در ذیل آیه آخر، حدیث مفصلی از امام
صادق علیه السلام نقل شده است که از مردم می خواهد
که از رفیقهای پیروی کنند که دارای عالیتین
صلاحیت اخلاقی اند.

در بخشی از این حدیث امام صادق علیه السلام
می فرماید عوام یهود نباید به قول علمایی که
خودشان برخلاف دستورهای دین عمل
می کنند عمل می کردند.

چرا که فلسفه وجود علماء دین گسترش
پاکی و طهارت و ترک هوا و هوس است.

اگر دنبال هوا و هوس و دنیاپرستی بروند
باید سخن آنها را نشنید. بعد فرمود: و به همین
منوال است حال عوام ما. اینها نیز اگر در فقهاء
خود، اعمال خلاف، تعصب شدید، تراحم بر
سر دنیا، طرفداری از طرفداران خود هر چند
ناصالح باشند، کوبیدن مخالفین خود هر چند
مستحق احسان و نیکی باشند، اگر این اعمال را
در آنها حس کنند و باز هم چشم خود را ببندند
و از آنها پیروی کنند عیناً مانند همان عوام
یهودند و مورد مذمت و ملامت هستند
(مطهری ۲، ۱۳۶۶: ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۱۴).

در زمینه تقوای عالم، در منابع اسلامی

به «فقه» تعبیر می‌شود که ضرورت دستیابی به آن از آیه ۱۲۲ سوره توبه استنباط شده است. در این آیه آمده است:

«... چرا از هر فرقه‌ای گروهی کوچ نمی‌کنند تا در دین تفقه کنند و چون بسوی قوم خود بازگشتند آنها را هشدار دهند؟»

این آیه کریمه صریحاً دستور می‌دهد که گروهی از مسلمین می‌بایست در دین تفقه کنند و دیگران را از تفقه خود بهره‌مند سازند.

تفقه از ماده فقه است. معنای تفقه، مطلق فهم نیست بلکه فهم عمیق و بصیرت کامل به حقیقت یک چیز را فقه می‌گویند. «راغب» در «مفردات» می‌گوید:

الفقه هو اتصال الی علم غائب تعلم شاهد: فقه این است که از یک امر ظاهر و آشکار به یک حقیقت مخفی و پنهان پی برده شود. همچنین در تعریف تفقه می‌گویند:

تفقه اذا طلبه فتخصص به. یعنی طلب کرد چیزی را و در آن تخصص پیدا کرد. (مطهری ۲، ۱۳۶۶: ۱۳۸، ۹۶)

البته «فقه» در اصطلاح امروز ما یعنی علم به احکام و ما فقیه را کسی می‌دانیم که مسائل فرعی مربوط به نماز و روزه و جهاد و حج و غیره را بداند.

ولی همه حتی خود فقها هم قبول دارند که فقه در اصطلاح اصلی خود معنی وسیع‌تری دارد هم شامل این فقه است و هم شامل سایر

توصیه‌های زیادی وجود دارد که ذکر آنها در اینجا لازم نیست. این بحث را با سخنانی از امام خمینی به پایان می‌بریم:

«طبقه‌ای که می‌خواهند مردم را ارشاد کنند باید اقوالشان با اعمالشان موافق باشد یعنی شمایمی که مردم را تخدیر از دنیا می‌کنید اگر خدا نخواسته... حریص بر دنیا باشید مردم دیگر شما را باور نمی‌کنند... طلبه‌ها را ارشاد کنید مبادا خدای نخواسته از این زی طلبگی خارج شوند و خروج آنها موجب تزلزل عقیدتی مردم بشود.»

«حوزه‌های روحانیت... محل امانتداری است و بدیهی است که امانت الهی را نمی‌توان بدست هرکس داد و آدمی که می‌خواهد چنین منصب مهمی را بعهده بگیرد... باید منزّه بوده و دنیا طلب نباشد. آن کسی که برای دنیا دست و پا می‌زند هر چند در امر مباح باشد امین الله نیست و نمی‌توان به او اطمینان کرد.»

(امام خمینی، ۱۳۷۴: ۳۸۸-۳۸۵)

۴. فقاہت و اجتهاد صلاحیت خاص ضروری برای ایفای نقش روحانیون ایران علاوه بر این صلاحیت عمومی، از روحانیون انتظار می‌رود آموزشهای تخصصی برای فهم دقیق و عمیق دین در حوزه علمیه را دیده باشند (رفیع پور ۱۳۷۸: ۴۱۵).

از این دانش تخصصی در لسان دین اسلام

دینی می فرماید: قد نصب نفسه لله سبحانه
فی ارفع الامور، خودش را در آن بالاترین
درجات قرار می دهد که دیگر جایی و مقامی
در اسلام بالاتر از آن نیست.
آن چه مقامی است؟

من اصدار کل وارد علیه و تصییر کل فرع
الی اصله. هر واردی را (هر سؤالی که بر او
عرضه بشود) جواب نداده رد نمی کند بلکه آن
را در این کارخانه روحی و فکری خود وارد
می کند و بعد حل کرده و حل شده آنرا صادر
می کند و می داند که هر فرعی و شاخه ای را با
کدام تنه و ریشه باید متصل کرد و هر جزیی را
به کدام کل باید برگردانید (مطهری ۱، ۱۳۶۶):
(۱۱۷، ۱۰۷).

بنابراین اجتهاد عبارت است از به کار بردن
کوشش و جهد بر مبنای «تخصص فنی» برای
استنباط حکم شرعی از منابع اسلامی.

البته به کار بردن تدبر و تعقل در فهم ادله
شرعیه احتیاج دارد به یک رشته علوم که مقدمه
شایستگی و استعداد تعقل و تدبر صحیح و
عالمانه می باشند. علماء اسلام تدریجاً دریافتند
که استنباط و استخراج احکام از مجموع ادله
شرعیه احتیاج دارد به یک سلسله علوم و
معارف.

بدیهی است کسی که می خواهد به قرآن و
حدیث مراجعه کند باید تفسیر قرآن و معانی
آیات و ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه آنرا

مطالب اسلامی (مطهری ۱، ۱۳۶۶):
(۱۶۷-۱۶۶).

در بین مسلمین، تلاش و جد و جهد و
سازمان یافته برای کسب فقه یا دانش تخصصی
دین با عنوان «اجتهاد» نامیده شده است.

غزالی در کتاب معروف «المستصفی» کلمه
اجتهاد را به معنای مطلق جهد و کوشش برای
بدست آوردن حکم شرعی به کار برد که با این
تعبیر بیان می گردد: استفراغ الوسع فی طلب
الحکم الشرعی.

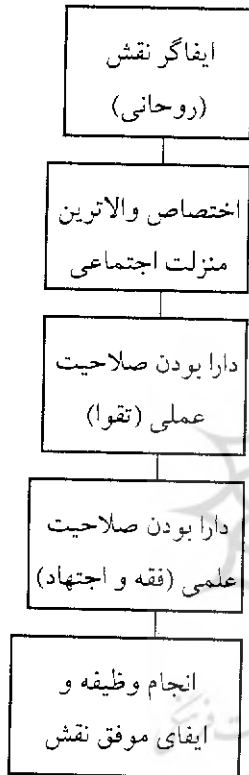
یعنی اجتهاد به کار بردن مثنهای کوشش در
استنباط حکم شرعی از روی ادله معتبره شرعیه
است. بنابراین صلاحیت دیگری غیر از
صلاحیت اخلاقی و معنوی برای روحانیون
لازم است و آن عبارت است از جزئیات را بر
کلیات منطبق کردن و فروع را بر اصول تطبیق
دادن و برگردانیدن که نام آن «اجتهاد» است.

امیرالمؤمنین در صدر خطبه ۸۶ نهج البلاغه
که درباره عالم دینی است می فرماید:
ان من احب عبادالله الیه عبداً اعانه الله
علی نفسه. از محبوبترین بندگان خدا در نزد
خدا بنده ایست که خداوند او را بر نفس خودش
اعانت کرده باشد یعنی او در مخالفت با هوای
نفس تایید کرده است (مطهری ۲، ۱۳۶۶):
(۱۲۸).

و بعد از بیان جملاتی در توصیف
صلاحیت اخلاقی و خصوصیات معنوی عالم

تصویر شماره ۲:

وضع مطلوب ایفای نقش اجتماعی روحانیت



۵. ضرورت تحول در حوزه‌های علمیه

ایران

اگر روزگار درخشش و شکوفایی

فوق‌العاده حوزه‌های بغداد، نجف، کربلا،

اصفهان، مشهد، قزوین، قم... به دقت مطالعه

شود، روشن خواهد شد که این همه شکوه و

جلال و ظهور شخصیت‌های بزرگ علمی، در

پرتو نظم انضباط دقیق و برنامه‌ریزی صحیح

منطبق با نیازهای زمان آن حوزه‌های بوده

بداند، حدیث معتبر را از حدیث غیر معتبر تمیز دهد به علاوه روی قواعد عقلانی صحیح، تعارضها را در احادیث تا حدی که ممکن است حل کند، موارد اجماعی و متفق علیه مذهب را تمیز دهد. در خود آیات قرآن و همچنین در احادیث یک سلسله قواعد کلی ذکر شده و استفاده و اعمال آن قواعد مانند همه قواعد دیگر در همه علوم تمرین و ممارست لازم دارد. باید مثل صنعتگر ماهری که بداند از مجموع موادی که جلویش ریخته است چه ماده‌ای را انتخاب کند، مهارت و استعداد داشته باشد (مظهری، ۲، ۱۳۶۶: ۱۰۳، ۱۰۲، ۱۰۱)

در استفاده معمولی، فقیه یا مجتهد به کسی می‌گویند که دارای علم و آگاهی از علوم خاصی باشد. اما این متخصص در اسلام که مجتهد یا فقیه نامیده می‌شود وقتی نقش خود را بخوبی ایفا می‌کند که هم مذهب باشد و هم آگاه از روح اسلام باشد یعنی بتواند فروع را به اصول اسلام برگرداند (مظهری ۲، ۱۳۶۶: ۱۴۶، ۱۴۷)

در اینجا می‌توان وضعیت مطلوب ایفای

نقش اجتماعی روحانیون را به شکل ذیل ترسیم

کرد:

است. به همین علت و از آنجا که نظام آموزشی درست و سامانمند، جامعه سالم می‌سازد و انسانهای بزرگ تحویل جامعه بشری می‌دهد و نقش گسترده در ژرفایی فرهنگ جامعه دارد، عالمان و مصلحان بزرگ حوزه عمدتاً دست روی اصلاح برنامه آموزشی حوزه گذاشته‌اند. آیت‌الله بروجردی برای درآوردن حوزه از شرایط منفی و سامان دادن آن هیاتی مرکب از چند تن بزرگان، امام، حاج شیخ مرتضی حائری، حاج شیخ احمد زنجانی، حاج سیدابوطالب مدرس، فاضل لنکرانی و... تشکیل می‌دهد. این هیات هم پس از جلسه‌های زیاد، طرحی برای اداره حوزه تهیه می‌کند که متأسفانه به انگیزه‌هایی پیاده نمی‌شود. اگر این طرح در آن شرایط، جامه عمل می‌پوشید، بسیاری از نابسامانیهای کنونی را نداشتیم و هزار طلبه علاقه‌مند، عمرشان به بطالت نمی‌گذشت. (مزیانی در جمعی نویسندگان مجله حوزه، ۱۳۷۶: ۱۶۳-۱۶۲).

در سالهای بعد، شهید صدر (ره) کتابهایی در جهت اصلاح متون آموزشی حوزه می‌نگارد و «المعالم الجدیدة» و «حلقات فی الاصول» را می‌نویسد.

علامه طباطبایی تفسیر، علوم قرآنی و فلسفی و کلامی را وارد حوزه می‌کند و در راه اصلاح متون آموزشی حوزه به نگارش «بدایه

الحکمه» و «نهایه الحکمه» همت می‌گمارد.

شهید مطهری معتقد است ثابت نگهداشتن سازمان روحانیت در وضع فعلی آن به انقراض آن منتهی می‌شود (مطهری، بی‌تا: ۱۸۴ در: مزینی، ۱۳۷۶: ۱۵۷)

ایشان مشکل اساسی سازمان روحانیت را نظام مالی آن معرفی می‌کند و در راه بهبود وضعیت آن پیشنهادهای ارائه می‌دهد. (مطهری، ۱۳۶۶: ۳۰۷-۳۰۴)

شهید بهشتی در این خصوص به همراه عده‌ای دیگر از فضلا به تأسیس مدرسه‌ای (مدرسه حقانی) با برنامه‌ای منظم و علمی خارج از محدوده علوم معمول حوزه می‌پردازد و مقالاتی در این باب ارائه می‌دهد. و بالاخره امام خمینی (ره) روی اصلاح حوزه تکیه می‌کند و اجتهاد مصطلح در حوزه‌های علمیه را کافی برای جوابگویی مشکلات جامعه نمی‌داند و فرد بی‌اطلاع از مسائل سیاسی، اجتماعی و روابط بین‌المللی را مجتهد در این مسائل نمی‌داند و در این زمینه می‌نویسد:

«مهم شناخت درست حکومت و جامعه است که براساس آن نظام اسلامی بتواند به نفع مسلمانان برنامه‌ریزی کند که وحدت رویه و عمل ضروری است و همین جاست که اجتهاد مصطلح در حوزه‌ها کافی نمی‌باشد بلکه یک فرداگر اعلم در علوم معهود حوزه‌ها هم باشد ولی نتواند مصلحت جامعه را تشخیص دهد و

به چه تعداد احتیاج داریم؟ بطور مثال ما در دستگاه قضایی به روحانی احتیاج داریم ولی آیا با این فهرست منطقیاً تدوین شده و برآورد کمی درباره آن صورت گرفته است؟ و اگر این کار شده آیا وضعیت حوزه‌ها مناسب با این نیازها تغییر کرده است؟ آیا ما حوزه را در

میری انداخته‌ایم که تعداد داوطلبین که جذب حوزه‌ها می‌شوند از نظر کمی و کیفی مناسب با نیازهای ما در آینده باشند؟ آیا نظام آموزشی حوزه را به نحوی طراحی کرده‌ایم که نیازهای گوناگون ما را برآورده سازد؟

در کجا باید افراد برای ایفای نقشهای متفاوت تربیت شوند و چه کسی باید معین کند که کدام روحانی باید در آینده چکار کند؟ علاوه بر این ما در عرصه تفکر و اندیشه، احتیاج به متفکر مسلمان داریم. این متفکران باید از اندیشه‌های دیگران هم آگاه باشند مخصوصاً باید با تفکر غربی آشنا باشند. کسانی که می‌خواهند در جبهه تفکر، از اسلام دفاع کنند باید آموزشهای خاصی را ببینند. این اقتضائی که مخصوصاً بعد از انقلاب ضرورت و اهمیت پیدا کرد ایجاب می‌کند که نظام حوزه‌ای متحول شود.

خوشبختانه در حوزه و مخصوصاً در قم، تحولات بسیاری پیدا شده و نسبت به وضعیت سی سال پیش حوزه، تحولات شگفت‌انگیزی کرده است. وجود این همه مراکز تحقیقاتی در

یا نتواند افراد صالح و مفید را از افراد ناصالح تشخیص دهد و بطور کلی در زمینه اجتماعی و سیاسی فاقد بینش صحیح و قدرت تصمیم‌گیری باشد این فرد در مسائل اجتماعی و حکومتی مجتهد نیست و نمی‌تواند زمام جامعه را بدست گیرد».

(ذاکری در مرکز مطالعات و تحقیقات

اسلامی، ۱۳۷۵: ۱۸۲-۱۸۱)

نقشهای روحانیت متناسب یا معلول وضع قتل از انقلاب بوده است. با پیروزی انقلاب و به سبب دینی بودن انقلاب و حکومت وظایفی تازه بر دوش روحانیت قرار گرفته است. ما نباید تصور کنیم که وظیفه روحانیون فقط بسیج مردم برای سرنگونی شاه بود زیرا با این مقدار نتیجه و دستاورد، جامعه دینی نمی‌شود و بعد از سرنگونی حکومت شاه وظایفی به مراتب سنگین‌تر، پیچیده‌تر و گسترده‌تر بر دوش روحانیت قرار گرفته است. باید این وظایف و این نقش‌ها بدقت شناسایی شود و برای تأمین مقصود لوازم آن فراهم گردد. از لوازم نیل به این مقاصد جدید، ایجاد تغییر در حوزه‌ها از حیث آموزشی مقررات و مواد درسی و امثال آن است.

آیا جایی هست که تحقیق کند و وظایفی را که روحانیون باید به دوش بگیرند و نقشهایی را که باید آنها ایفا کنند را به دقت معین کند و محاسبه نماید که ما به انواع گوناگون روحانی،

دارا باشد.

این صلاحیتهای عمومی عمدتاً از نظر توجه مردم به روحانیت و اعتماد و سرسپردگی آنها به روحانیون بسیار مهم است. توجه به مطلب ذیل این نکته را روشن تر می‌کند که چگونه روحانیت دارای یک سرمایه اجتماعی بزرگ می‌باشد.

استارک و هسن بریج یک نظریه مفصل تجربی در باب مذهب ارائه کرده‌اند که دارای اصول و فرضیات متعددی است.

این دو در اصل دوم خود می‌گویند: ارزش خاص جبران‌کننده‌هایی که مذهب در برابر کمبودهای افراد ارائه می‌کند و اهمیت پذیرش قلبی تبیین‌های مذهبی در مورد پادشاهای اخروی ایجاب می‌کند که مردم به متخصصان مذهبی و سازمانهای دینی «اعتماد» کامل داشته باشند.

از طرف دیگر این امر منجر به سرسپردگی مستدین در زندگی خود به روحانیون و اختصاص نقش فوق‌العاده مهم روحانیون در «هنجارگذاری» و برخورداری از قدرت می‌شود. (Malcom B. Hamilton, 1995: 189)

انتظاری که عموماً از روحانیت می‌رود «تطابق قول و فعل» می‌باشد. به این معنی که روحانیت باید مظهر «بی‌نیازی از امور دنیوی» و «بی‌توجهی به دنیا» باشد، چرا که اصل دعوت

حوزه، کتابخانه‌های بزرگ و این همه طلبه سخت‌کوش و توجه به مباحث جدید و ترجمه کتاب از زبانهای اروپایی و بحث بر سر آرای متفکران سایر ادیان، اموری است که به سرعت در حوزه‌های ما مخصوصاً در حوزه‌های علمیه قم در حال گسترش است. در نشر و چاپ کتاب، حوزه‌های علمیه در بستر تاریخ بیش از ۷۰ موسسه تحقیقاتی - فرهنگی با زمینه‌های فعالیت آنها معرفی شده که قبلاً وجود نداشته است.

این مؤسسات تحقیقی همه از حیث کارآمدی در حد مطلوبی قرار ندارند و همه محققان آنها ورزیدگی کافی ندارند اما از مؤسساتی که بیش از چند سال از عمر آنها نمی‌گذرد انتظار نمی‌رود که به کمال رسیده باشند. مهم آن است احساس می‌کنیم در حوزه یک حرکت جدی به نحو وسیعی آغاز شده است (حداد عادل، ۱۳۷۵: ۲۵).

۷. نتیجه‌گیری

همچنانکه در مقاله ملاحظه شد. روحانیون برای موفقیت در ایفای نقش خود در جامعه باید «صلاحیتهای عمومی» و «صلاحیتهای اختصاصی» لازم را دارا باشند.

منظور از صلاحیتهای عمومی، شایستگی‌هایی است که لازمه روحانی بودن است و مردم انتظار دارند یک روحانی آنها را

بشر در همه ابعاد زندگی است.
(Ramond firth, 1996:58-9)

این نقش خاص که بعنوان «فقاقت» یا «اجتهاد» در مذهب شیعه مورد توجه خاص است، لازم به احراز صلاحیتهای فکری و عملی بسیار زیادی است و دوری از این صلاحیتهای به ایفاء کامل و صحیح نقش روحانیون نظمه جدی وارد می‌کند.

بخش دیگر دارا بودن شایستگی برای اداره جامعه اسلامی و بدست گرفتن زمام امور اجتماعی است. روحانیت هنگامی که در بالاترین و بزرگترین نقش خود یعنی «ولایت و زعامت و رهبری اجتماعی» قرار می‌گیرد ایفاگر نقش استراتژیک و حساسی است که مظهر انسجام و وحدت عمومی است. اگر حضور روحانیت در این زمینه موفقیت‌آمیز باشد قطعاً نقش وی در جامعه دارای بالاترین کارکرد بوده و سرمایه اجتماعی او روزافزون می‌گردد.

اما از طرف دیگر حضور روحانیت در این نقش، انتظارات مردم را از آنها در بالاترین حد خود قرار می‌دهد و به همین خاطر برآورده نشدن این انتظارات نیز مخاطرات جبران‌ناپذیری به جای می‌گذارد.

(فارسی، جلال‌الدین، ۱۳۷۸: ۲۶)

و پیام او توجه دادن مردم به معنویات است. بنابراین «عدم تطابق قول و فعل» یا «انفکاک نظر و عمل» در روحانیت بیشترین لطمه را به حیثیت آنها می‌زند و این امر یکی از علل مهم در تخریب منزلت و روحانیت و از آن طریق از دست رفتن سرمایه اجتماعی روحانیت است.

صلاحیتهای اختصاصی روحانیون مربوط به داشتن تخصص‌های لازم برای «ابلاغ» و «اجرای» احکام اسلام است. براین اساس نقش متخصصان دینی در اسلام بسیار گسترده است که در ذیل در دو بخش مورد توجه قرار می‌گیرد.

یک بخش مربوط به داشتن صلاحیت برای فهم شریعت است.

همچنانکه می‌دانیم گستره شریعت از نظر اسلام شامل:

شناخت قانون خداوند و اصول معطوف به آفریدگار جهان به عنوان حقیقت غایی و مقدس (divine law)

شناخت قانون معطوف به انسان بعنوان آفریده و بنده خداوند (human law)

و شناخت قانون مربوط به طبیعت بعنوان پدیده‌ای که واقعیت مقدس خداوند را منعکس می‌کند (natural law) می‌باشد.

بنابراین قانون اسلام یا شریعت همه جنبه‌های زندگی انسان را می‌پوشاند و وظیفه علماء شناخت و ظایف و تکالیف

فهرست منابع:

آگای، ۱۳۷۸.

۱۲. مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، تاملی در نظام آموزشی حوزه، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم، ۱۳۷۵.

۱۳. مطهری، مرتضی، (۱) خاتمیت، تهران، صدرا، ۱۳۶۶.

۱۴. مطهری، مرتضی، (۲) ده گفتار، تهران، صدرا، ۱۳۶۶.

(ب) منابع انگلیسی:

1. Abercormbie, Nicholas, Stephen Hill and Bryoun S. Tumer, (1994): The penguin Dictionary of Sociology.

2. Eisenstadt, S.N; Helle, H.J. (1985) Micro Sociological Theory: Perspective of sociological Theory. London: Sage publication.

3. Firth, Roymand. (1996) Religion: A Humanist Interpretation. London; Routledge.

4. Hamilton, Malcom B. (1995) The Sociology of Religion: Theoretical and Comparison Perspectives, Routledge, New yourk and London.

5. Lovaglia, Michael J. and Jeffrey A. Houser; (1996): "Emotional Reactions and Status in Groups" American Sociological Review (Volue 61): 867-883.

6. Troyer, Lisa. Younts, Wesely. (1997) "Whose Expectations Matter?" American Journal of Sociology (Volume 103), Number 3: 692-731

۱. اسپنله، آن ماری روش بلاو، (مقدم)، مفهوم نقش در روانشناسی اجتماعی، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲.

۲. برگر، پیترل. ولاکمن، توماس (مجیدی)، ساخت اجتماعی واقعیت: رساله‌ای در جامعه‌شناختی شناخت، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵.

۳. جمعی از نویسندگان مجله حوزه، گذشته، حال و آینده در نگاه رهبری، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۶.

۴. جهرمی، سید مهدی و محمدباقری، آسیب‌شناسی دینی از منظر استاد شهید مطهری، تهران، نشر هماهنگ، ۱۳۷۶.

۵. «حداد عادل، غلامعلی، مصاحبه با مجله صبح»، صبح، شماره ۶۵، دی ۱۳۷۵، صص ۲۵-۱۸.

۶. آیت‌الله خامنه‌ای، علی، حوزه و روحانیت در آینه رهنمودهای مقام معظم رهبری جلد ۱، تهران: دفتر مقام معظم رهبری، ۱۳۷۵.

۷. امام خمینی، روح‌الله، روحانیت و حوزه‌های علمیه از دیدگاه امام خمینی، تهران مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۴.

۸. رفیع‌پور، فرامرز، آناتومی جامعه: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی کاربردی، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۸.

۹. وینزر، جرج، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر (ترجمه: محسن ثلاثی)، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۷۴.

۱۰. فارسی، جلال‌الدین، انقلاب اسلامی و سازماندهی اجتماعی، تهران، حوزه هنری، ۱۳۷۷.

۱۱. کرایب، یان، نظریه اجتماعی مدرن از پارسونز تا هابرماس (ترجمه: عباس مخیر)، تهران،